



توسعه‌ی الگوی حسابداری گفتمان در اثربخشی پیامدهای حسابداری سبز: تغییر پارادایم حسابداری اثبات‌گرایانه

انسیه حسین پوران^۱

حسن ولیان^{۲*}

محمد رضا عبدلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

چکیده

تغییرات در هر عرصه‌ای از علم به پویایی بیشتر کارکردهای آن حوزه منجر خواهد شد. حسابداری نیز به عنوان یکی از عرصه‌های مبتنی بر فرآیندهای اجتماعی از این تغییرات مستثنی نمی‌باشد و باهدف ارتقای تعامل پذیری با نیازهای ذینفعان، می‌توان انتظار رسیدن به ادراک منسجم و متعامل بین ارکان حرفه حسابداری با ابعاد اجتماعی را به واسطه‌ی چنین تغییراتی متصور بود. حسابداری گفتمان به عنوان تغییرات برآمده از بسترهای ادراکی و اجتماعی می‌تواند ارزش‌های فراگیری همچون پیامدهای مثبت حسابداری سبز را از نظر اجتماعی و رقابتی به همراه داشته باشد. هدف این پژوهش توسعه‌ی الگوی حسابداری گفتمان در پیامدهای حسابداری سبز باهدف جهت‌گیری آینده در حرفه حسابداری می‌باشد. در این پژوهش که از نظر روش شناسی برحسب ماهیت مسأله و هدف پژوهش، کاربردی محسوب می‌شود، شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات از نوع پیمایشی-همبستگی بود و ابزار پژوهش پرسشنامه بود. جامعه آماری در این پژوهش، مدیران بخش حسابداری به عنوان زیرمجموعه‌ی معاونت مالی و اداری ۵۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند. نظر به اینکه مدیران حسابداری در شرکت‌های بازار سرمایه با عناوینی همچون رئیس امور سهام یا رئیس حسابداری در چارت سازمانی شرکت‌های بازار سرمایه قرار دارند، مجموعاً ۹۶ نفر در این بخش مشارکت داشتند که باتوجه به این تعداد جامعه‌ی آماری، که کمتر از ۱۰۰ نفر بود، از معیار سرشماری برای انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش استفاده شد. همچنین به منظور برازش مدل، از تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد، حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر دارد. نتایج کسب شده گویایی این واقعیت هستند که توسعه‌ی الگوی حسابداری گفتمان به عنوان یک مبنای سیستمی که در بسترهای اجتماعی و با انتقال سطح انتظارات بازار سرمایه به عنوان ورودی سیستم و ترکیب آن با دانش حسابداری به عنوان فرآیند سیستم حادث می‌گردد، می‌تواند به ایجاد پیامدهای حسابداری سبز به عنوان ستاده‌ی سیستم منجر شود.

کلید واژه: حسابداری گفتمان؛ حسابداری سبز؛ نقد پارادایم اثبات‌گرایی

¹ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران Email: nc.pouran@gmail.com

² استادیار، گروه مدیریت، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول) Email: Hasan.valiyan@yahoo.com

³ دانشیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران Email: Mrab830@yahoo.com

مقدمه

صورت‌های مالی باشد (ماما و آپیه‌ها، ۲۰۱۹). اما با توجه به اهمیت آن، فقدان رویکردهای استراتژیک حسابداری سبز در طی چندسال گذشته، باعث افزایش سطح قابل‌توجهی از پسماندهای مضر برای محیط‌زیست شده است که پیامد آن پردازش نامناسب پسماندها و از دست رفتن منابع و همچنین ایجاد مشکلات شدید زیست‌محیطی و اقتصادی شد (راجیش، ۲۰۱۱؛ واث و همکاران، ۲۰۱۰؛ منیکپار و همکاران، ۲۰۱۴؛ کرامر و دیکسیت، ۲۰۱۸). حسابداری گفتمان به عنوان یکی از ابعاد توسعه‌ی حسابداری محسوب می‌شود که با ترکیب ادراک و دانش‌گرایی رفتاری و اخلاقی در پی توسعه‌ی پیامدهای اثربخش حسابداری سبز جهت جلوگیری از تخریب‌های زیست‌محیطی می‌باشد (میلر و سیرسی، ۲۰۲۰). حسابداری گفتمان بیان‌کننده‌ی ماهیت نقد‌پردازانه‌ی دانش حسابداری به واسطه‌ی استفاده از تشابه و مضامین مرتبط با واقعیت‌های اثربخش حسابداری بر آن می‌باشد (سامی و همکاران، ۱۴۰۰). زیرا حسابداری فراتر از نقشی که برای آن ترسیم شده بود، امروزه به زبانی برای تعامل و گفتگو در بازار رقابتی از یک سو و توسعه‌ی رفتارهای اخلاق‌گرایانه همچون حفاظت از محیط زیست از سویی دیگر بدل شده است و توسعه‌ی آن به شکل گفتمان می‌تواند به انعکاس اطلاعات قابل‌تأمل‌تر به استفاده‌کنندگان از اطلاعات کمک نماید. بخش مهمی از اثرگذاری حسابداری مربوط به بازار سرمایه است، که به دلیل وجود تضاد منافع بین ذینفعان، توسعه‌ی حسابداری گفتمان می‌تواند به ایجاد تعادل در بازار و واقعیت‌ها براساس تصمیم‌گیری کمک نماید. به عبارت دیگر، توسعه‌ی مضامین حسابداری گفتمان سطحی از باز‌نمایی یا هویت‌مبنایی دانشی از تعاملات تخصصی بین شرکت‌ها با ذینفعان بیرونی می‌باشد که در قالب گزارش‌های اختیاری مثل افشای اطلاعات عملکرد محیط زیستی شرکت‌ها به ایجاد سینرژی در تصمیم‌گیری‌های بازار کمک می‌کند. این مفهوم اگرچه دارای گستردگی معنایی می‌تواند باشد، اما در

بسیاری از تهدیدها و بحران‌های زیست‌محیطی نظیر تغییرات آب و هوا؛ نازک‌شدن لایه‌ی ازن؛ جنگل‌زدایی؛ باران‌های اسیدی؛ تولیدهای صنعتی و استفاده بهره‌جویانه و ناصولی از طبیعت با اهداف فرصت‌طلبانه همگی مباحث جهانشمولی هستند که با گستردگی تمام باعث ایجاد بحران‌های محیط‌زیستی شده‌اند و سبب گردیدند تا سطح آلاینده‌ی‌های محیطی افزایش یابد و سبب تخریب آن گردد (دهقان و همکاران، ۱۳۹۸). اغلب اندیشمندان همچون عالم‌چادوری (۱۹۹۷)؛ گوستاوسون (۲۰۰۱)؛ ولیامز (۲۰۰۸)؛ بیگی‌ریمان (۲۰۱۷)؛ بارون (۲۰۱۹) و بسیاری از محققان دیگر از اواخر قرن گذشته و در قرن حاضر با افزایش دغدغه‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلفی همچون فرهنگی؛ مذهبی و اعتقادی باهدف کاهش قلمرو انسانی در تخریب محیط‌زیست و همگون‌ساختن رفتارهای زیست‌محیطی در پی ارائه‌ی راه‌حلی جهت کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی برآمدند که نقطه مشترک تمامی نگرش‌های علمی، توسعه پایدار محیط‌زیست در قالب استراتژی‌های سبز بوده است. در واقع استراتژی‌های سبز کارکردهای زیست‌محیطی شرکت‌ها را مورد بازنگری قرار داده و از طریق تقویت مکانیزم‌های نظارتی همچون استانداردها و تغییر زیرساخت‌های تولید، باعث افزایش اثربخشی مدیریت ضایعات و کاهش آلاینده‌ی‌ها گردیده است. به طور ویژه اما حسابداری سبز در پی حل مسائل زیست‌محیطی و ایفای نقش موثر در رسیدن به توسعه پایدار تعریف می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۷). فدراسیون بین‌المللی حسابداران (۲۰۰۵) حسابداری سبز را به عنوان مبنایی برای مدیریت زیست‌محیطی و عملکردهای اقتصادی شرکت‌ها از طریق اجرا و توسعه محیط‌های متناسب با روش‌های نظامند و حرفه‌ای حسابداری تعریف می‌کند. براین اساس توجه به حسابداری زیست‌محیطی می‌تواند موضوعی استراتژیک برای مدیران، اجتماع و استفاده‌کنندگان

حسابداری گفتمان، می‌تواند به لحاظ اهمیتی که برای افزایش کیفیت زبان گزارشگری و دانش‌افزایی حسابداری سبز دارد، به توسعه‌ی ادبیات نظری کمک نماید. مرور پژوهش‌های پیشین همچون برون (۲۰۰۹) که به بررسی «فناوری‌های مرتبط با حسابداری گفتمان در توسعه‌ی پایداری»، گُداسکی و همکاران (۲۰۲۱) که به بررسی «چشم‌اندازهای آتی حسابداری گفتمان در کمک به حسابداری دولتی»، بلوچی و همکاران (۲۰۱۹) که به بررسی «نقش حسابداری گفتمان در توسعه مشارکت ذینفعان»، گروسی و همکاران (۲۰۲۱) که به بررسی «حسابداری گفتمان بر بسترهای فناوری اطلاعات» و دیلارد و همکاران (۲۰۲۱) که به بررسی «چارچوب حسابداری گفتمان در سیستم‌های اطلاعات حسابداری محیط‌زیست» پرداخته‌اند، حکایت از تصدیق این ادعا دارد که اگرچه موضوع‌های مشابه با گفتمان حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است، اما این موضوع چه به لحاظ ساختار تحلیل و چه به لحاظ معنایی ضمن اینکه دارای نوآوری در سطح ارتباط با حسابداری سبز محسوب می‌شود، می‌تواند به افزایش کیفیت محیط اطلاعاتی بین ذینفعان کمک نماید.

دوم اینکه نتایج این پژوهش می‌تواند به نهادهای بالادستی در حرفه حسابداری ایران همچون انجمن‌های علمی و حرفه‌ای حسابداری در بخش خصوصی و کمیته‌های تدوین استانداردهای حسابداری در بخش دولتی کمک نماید تا درک منسجم‌تری نسبت به اهمیت حسابداری گفتمان و نقش آن در توسعه حسابداری سبز پیدا کنند و بر این اساس به ایجاد هنجارسازی و توسعه‌ی فرهنگ تعامل و گفتمان در حسابداری کمک نمایند. اثربخشی حسابداری گفتمان از نظر کاربردی، همچنین به سایر ذینفعان بازار سرمایه همچون سرمایه‌گذاران؛ سهامداران؛ تحلیلگران بازار نیز کمک می‌نماید تا نسبت به عملکردهای افشاء‌شده محیط‌زیستی به واسطه‌ی وجود کارکردهای حسابداری گفتمان، تصمیم‌گیری‌های با ریسک کنترل شده‌تری را اتخاذ

شکل یک مبنای حرفه‌ای، ساختارهای زبانی متقابلی بین شرکت با ذینفعان بیرونی ایجاد می‌کند که پیامدهای مثبتی می‌تواند چه برای اقتصاد و چه برای اجتماع داشته باشد. پژوهشگرانی همچون ملیساوالترز-یورک (۱۹۹۶)؛ مک‌گوانن و همکاران (۲۰۰۷) و آمرنیک و کرایگ (۲۰۰۹) الگوهای متفاوت، اما دارای کارکردهای مشابه از منظر برابری و تقارن اطلاعاتی را، برای حسابداری گفتمان مطرح نمودند که نقطه‌ی اشتراک تمامی این الگوها، تمرکز بر فرآیندی از رویه‌های حسابداری مثل گزارشگری مالی؛ تعدیل صورت‌های مالی و ... می‌باشد. به عنوان مثال کوریگان (۲۰۱۸) در تعریف حسابداری گفتمان آن را دانشی مبتنی بر زبان‌شناسی تعبیر می‌کند که حوزه‌هایی همچون جامعه‌شناسی؛ فلسفه؛ روانشناسی؛ مدیریت و اقتصاد را در بر می‌گیرد. از سویی دیگر بوردت (۲۰۱۸) حسابداری گفتمان را نوعی زبان‌شناسی انتقادی تعریف می‌کند که براساس اطلاعات مضمونی و لحن پنهان در رویه‌های حسابداری یک گزارش مالی، به تحلیلگران کمک می‌کند با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و تمهیدات موجود در دانش سرمایه‌گذاری، سیمای بیرونی عملکرد شرکت‌ها را به زبانی قابل استدلال تبدیل نماید تا از آنچه در پس واژگان؛ جمله‌ها و به طور کلی متن زبانی گزارشگری مالی پنهان گردیده است را به یک تصمیم قابل فهم بدل نماید تا عایدات بیشتری برای ذینفعان ایجاد کند. لذا همانطور که مشخص است، مفهوم حسابداری گفتمان مفهومی متکی بر توسعه‌ی یک زبان مشترک و دارای ارزش‌های نهادینه‌شده در پس زمینه‌های گزارشگری مالی می‌باشد که می‌تواند به افزایش اثربخشی حسابداری در انعکاس واقعیت‌های اطلاعاتی کمک نماید. لذا انجام این پژوهش را می‌توان از دو منظر دارای اهمیت تلقی نمود.

اول اینکه این پژوهش به دلیل اینکه حاوی مفهومی جدید در حوزه‌ی حسابداری است، دارای ظرفیت‌های بسط نظری و ادبیات پژوهشی می‌باشد. مبنایی که به دلیل فقدان پژوهش‌های کاربردی مرتبط با مفهوم

نمایند. لذا این پژوهش در قالب پشتوانه‌ی نظری و تجربی یادشده با استناد به پژوهش‌های مرتبط با توسعه‌ی مفهوم پژوهش به دنبال توسعه کارکردهای واقع‌گرایانه و کاربردی در سطح بازار سرمایه می‌باشد تا خلاء استانداردها و الزامات ساختاری در رابطه با موضوع پژوهش را پوشش دهد. زیرا مفهوم حسابداری گفتمان و نقش آن در حسابداری سبز، متشکل از مضامین ادراکی است که الزاماً ممکن است در چارچوب‌های مشهود و قابل‌لمسی از اطلاعات افشاء‌شده در گزارشگری مالی ننگنجد و نیازمند شناخت فراگیری از نقدگرایی زبان شناختی در حرفه حسابداری باشد. لذا هدف این پژوهش در گام اول، ارائه‌ی ابعاد حسابداری گفتمان براساس ابعاد قابل‌سنجش از طریق تحلیل فراترکیب است و در گام دوم براساس تحلیل حداقل مربعات جزئی به دنبال تعیین تاثیر آن بر حسابداری سبز می‌باشد.

مبانی نظری

جریان واقع‌گرا (اثبات‌گرایی) به عنوان یک مکتب فلسفی در برابر مکتب ذهنیت‌گرا (انتقادگرایی) در علوم انسانی، بر واقعیت‌ها به طور عینی متمرکز هستند و مستقل از محرک‌های ذهنی بر کمیت‌ها در مقابل کیفیت‌ها تأکید دارد. بنیان دانش کلاسیک حسابداری به واسطه‌ی ماهیت این حرفه براساس رویکردهای مکتب واقع‌گرایی (اثبات‌گرایی) بنا نهاده شده است و بنیانگذاران این مکتب مفاهیم کلی را بازآرای واقعیت‌هایی قابل‌سنجش عنوان نمودند و وجود کیفیت و معنا را در این حوزه تاحد زیادی نفی کردند. اگرچه مکتب ذهنیت‌گرا (انتقادگرایی) معتقد است که علوم انسانی بیش از هرچیز با برداشت انسان از آنچه رخ می‌دهد، سر و کار دارد و حتی دانش حسابداری را نیازمند کارکردهای تعاملی براساس شناخت انسان تلقی می‌نمایند، اما بنیان‌های اولیه این دانش بر واقعیت‌ها جهت تصمیم‌گیری تأکید داشت. تقابل رویکردهای این دو مکتب تقاضا، همچون عرصه‌های دیگر علوم انسانی، به تدریج زمینه‌های تغییر فلسفه‌ی علم حسابداری را ایجاد نمود.

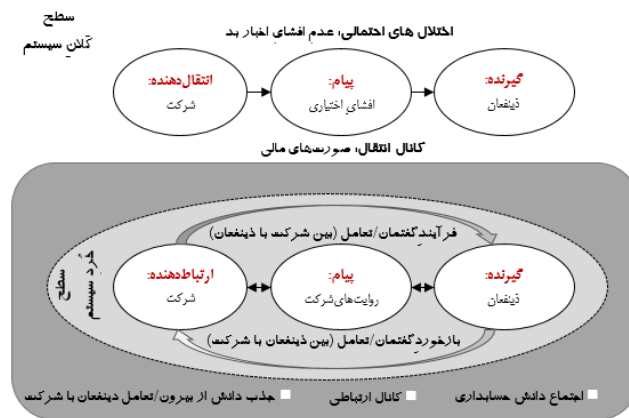
ملیساولترز-یورک (۱۹۹۶) به عنوان پیشگام عرصه‌ی تغییر رویکردهای صرفاً کمی به رویکردهای ذهنی در دانش حسابداری، وجود تقاضای اطلاعاتی و عرضه‌ی آن از جانب حرفه حسابداری را مبنایی برای حرکت به سمت دانش حسابداری مدرن را فراهم نمودند. این محقق با توصیف «حسابداری گفتمان» تلاش نمودند، با فاصله گرفتن از کارکردهای صرفاً کمی در حسابداری، به کارکردهای تعاملی و تقویت مکانیزم‌های جذب و اشتراک دانش بیرونی حسابداری به داخل این عرصه، پارادایم جدیدی از زبان حسابداری در قالب گزارشگری مالی را بنا نماید. پیامدهای این تغییر به مرور و با توسعه‌ی دانش محققانی همچون زشفورد (۲۰۰۲)؛ جونز و ویلیز (۲۰۰۳)؛ مالتوس و فولور (۲۰۰۹)؛ ین و همکاران (۲۰۱۷)؛ آلی و همکاران (۲۰۱۸) به ایجاد گرایش‌های علمی جدیدی همچون روایتگری حسابداری؛ زبان گزارشگری؛ ادراک حسابداری و لحن گزارشگری مالی منجر شد. در واقع حسابداری گفتمان، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از رویکردهای جدید دانش حسابداری می‌باشد که هدف آن افزایش تعامل در توسعه‌ی دانش حسابداری می‌باشد. لیتلجوهن و فوسز (۲۰۱۱) استعاره‌ی حسابداری را یک مفهومی مبتنی بر سیکل سیستمی معرفی نمودند و چرخه‌ی این حوزه از دانش حسابداری را به صورت یک مدل سیستماتیک ارائه دادند.

همانطور که در این چارچوب مشخص است، حسابداری گفتمان رویکرد متکی به چرخه‌ی سیستمی در دو سطح کلان و خرد است که از کارکردهای شرکت در انتقال اطلاعات تا جذب دانش به ذینفعان را در بر می‌گیرد و بستر مربوط به شکل‌گیری استعاره یا تمثیل گفتمان در حسابداری را ایجاد می‌کند. در سطح کلان، کارکردهای تعامل شرکت، فرآیند شکل‌دهی به ارتباطات پویا به صورت سیستمی است که شرکت پیام را از طریق کانال‌های ارتباطی حسابداری همچون صورت‌های مالی و سایر گزارشات همراه به گیرندگان یعنی ذینفعان بیرونی

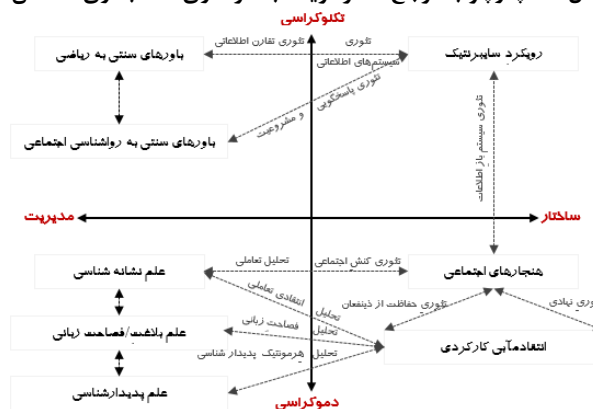
دریافت اطلاعات، سطح انتظارات خود را به سیستم باز می‌گرداند. در این شرایط شکل ارتباط به صورت دوسویه حادث می‌شود و زمینه را برای اجتماع دانش در حسابداری که ثمره‌ی جذب دانش؛ انتظارات و نیازهای اطلاعاتی ذینفعان می‌باشد، محقق می‌نماید و در این صورت حسابداری گفتمان به صورت یک هنجار اجتماعی به تقویت ارتباط بین شرکت با ذینفعان منجر خواهد شد (گروسی و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر کریگ (۱۹۹۹) با ارائه‌ی ماتریس نقاط مرجع استراتژیک تلاش نمود، راهبردهای تعاملی دانش حسابداری را توسعه بخشد.

انتقال می‌دهد (دورسی و همکاران، ۲۰۱۷). همچون هر فرآیند ارتباطی اختلال در انتقال پیام که در این سیستم مبتنی بر رویکرد ساختاری ارتباط، یعنی مدیران می‌باشد، می‌تواند باعث کاهش اثربخشی ارتباط گردد. در سطح خرد اما فرآیند شکل پویاتری به خود می‌گیرد، چراکه بستر گفتمان به صورت فرآیند و گردش اطلاعات از طریق بازخورد به طور رفت و برگشت دائماً سیستم را ارزیابی و در نهایت اصلاح می‌نماید. به عبارت دیگر شرکت ارتباط را با ذینفعان بیرونی ایجاد می‌نماید و سپس روایت‌های واقع‌گرایانه خود براساس کیفیت و کمیت عملکردهای مالی شرکت را به آنان مخابره می‌کند و ذینفعان با

شکل (۱) مدل سیستمی حسابداری گفتمان



شکل (۲) چارچوب مرجع استراتژیک بسترسازی حسابداری گفتمان



محور عمودی قرار دارد. به طور کلی دو ربع سمت چپ این ماتریس به رویکردهای مدیریتی و دو ربع سمت راست به کارکردهای ساختاری شرکت‌ها در

این ماتریس همچون هر ماتریس مرجع استراتژیکی، براساس دو محور عمودی/افقی و ۴ بُعد مدیریت و ساختار در محور افقی و تکنوکراسی و دموکراسی در

فرا ترکیب ابعاد حسابداری گفتمان تعیین و براساس تحلیل دلفی حد کفایت نظری تعیین می‌شود. لذا سوال‌های این بخش عبارتند از:
سوال کیفی پژوهش) ابعاد حسابداری گفتمان کدامند؟

فرضیه پژوهش

پس از تعیین ابعاد سنجش حسابداری گفتمان و تعیین سطح پایایی این متغیر، به واسطه‌ی استفاده از پرسشنامه شهری و همکاران (۱۴۰۰)، فرضیه پژوهش به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

❖ **فرضیه پژوهش)** حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر دارد.

پیشینه پژوهش

دی‌ویلارز و مولیناری^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی تحت عنوان «بررسی چگونگی ارتباطات و استفاده از حسابداری جهت ایجاد اطمینان عمومی در سهامداران در شرایط فراگیری کرونا» انجام دادند. این مطالعه با تکیه بر نظریه مشروعیت، استراتژی‌های ارتباطی جاسیندا آردرن^۲، نخست وزیر نیوزلند را در طول همه‌گیری کووید-۱۹، به منظور استخراج تجربیاتی اثربخش برای سازمان‌ها، مستند نمود. محققان این پژوهش، ارتباطات آردرن را با ارتباطات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا (ایالات متحده) را مورد مقایسه قرارداد و براساس تحلیل متن کاوی مشخص گردید، رهبران لزوماً از این استراتژی‌های یکسانی برای کنترل بحران کسب و کار به ویژه با تمرکز بر رویه‌های حسابداری استفاده نمی‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که ارتباطات شفاف، منسجم و با کیفیت براساس افشاء اطلاعات قابل اتکاء و به موقع حسابداری، در شرایط دسترسی آزاد به اطلاعات واحدهای تجاری می‌تواند تضمینی برای مشروعیت بخشیدن به تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تلقی گردد و باعث ایجاد اعتماد عمومی در سهامداران/سرمایه‌گذاران شود. در مقابل، استراتژی‌های مبتنی بر پنهان

کارکردهای حسابداری متمرکز می‌باشد. مدیریت مجموع فرآیندهای تصمیم‌گیری است که براساس باورهای سنتی در برابر باورهای پدیدارشناسی و ادراکی قرار می‌گیرد و ساختار مجموع فرآیندهای سیستم‌های اطلاعاتی را در برابر هنجارهای اجتماعی تفسیر می‌نماید. تکنوکراسی نیز اصالت به فنون تخصصی و تحلیلی را در بستر حسابداری تفسیر می‌کند و دموکراسی به جهان‌بینی فراتر از فنون و اتکاء به توسعه‌ی مفاهیم و برابری اشاره دارد (گریگ، ۲۰۰۸). لذا براساس این ماتریس، نگرش مدیریت در اتکاء به فنون و حوزه‌های کمی، باعث افزایش تکنوکراسی در نقش حسابداری می‌شود که با به کارگرفتن ریاضیات در حسابداری، تحلیل‌های کمی را برای مشروعیت‌بخشیدن به حسابداری مدنظر قرار می‌دهند و زمینه‌ی توسعه‌ی سایبرنتیک در حسابداری را مهیا می‌نمایند. در مقابل نگرش مدیریت در علم پدیدارشناسی، زمینه‌های توسعه‌ی دیالکتیک در حسابداری را محقق می‌نماید و با توسعه‌ی فنون نشانه‌شناسی و بلاغت زبانی در پی ارتقای فهم اجتماعی از دانش حسابداری است. همچنین ساختار متکی به دموکراسی به توسعه‌ی هنجارهای اجتماعی از طریق رویکرد انتقادمآبی را مهیا می‌نماید تا براساس آن حفاظت از منافع ذینفعان باعث پویایی ساختارهای نهادی گردد. براساس این چارچوب، می‌توان حسابداری گفتمان را سطحی از نیاز به ادراک در جهت همراستایی تعامل و گفتمان بین شرکت با ذینفعان محیط زیست تلقی نمود که به ایجاد یک زبان مشترک براساس بسترسازی کیفیت محیط اطلاعاتی منجر خواهد شد (ویر، ۲۰۰۶). با اتکاء به مبانی نظری ارائه‌شده، همسو با ماهیت روش شناختی پژوهش، ابتدا سوال‌های بخش کیفی و سپس فرضیه پژوهش مطرح می‌شود:

سوال بخش کیفی پژوهش

باتوجه به عدم انسجام و پایایی ابزار سنجش حسابداری گفتمان، در این پژوهش ابتدا از طریق

² Jacinda Ardern

¹ De Villiers & Molinari

شرکت‌ها منجر شود و زمینه برای حفاظت از محیط زیست به عنوان یک مبنای رقابتی ایجاد گردد. شهری و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان «بسط پارادایم نظریه‌ی آنتروپوسن در بررسی تاثیر رفتارهای زیست‌محیطی شرکت‌ها نسبت به پیامدهای استراتژیک حسابداری سبز» انجام دادند. جامعه آماری در این پژوهش، مدیران عالی در ۵۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۸ می‌باشند، که با توجه به اینکه مدیران عالی موردنظر در این پژوهش شامل دو سطح پست مدیرعامل و پست معاون اجرایی و کمتر از ۱۰۰ نفر بودند، از معیار سرشماری برای انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد، براساس پارادایم نظریه‌ی آنتروپوسن، تغییر رفتارهای زیست‌محیطی شرکت‌ها، باعث افزایش پیامدهای استراتژیک حسابداری سبز می‌شود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد، برای تحقق پارادایم آنتروپوسن در سطح عملکردی شرکت‌ها، تغییر نگرش، رفتار و اخلاق عملی افراد به عنوان سکانداران شرکت سبب می‌شود تا تصمیم‌گیری‌های اثربخش در خصوص کاهش آلاینده‌ی‌های زیست‌محیطی با دخالت ویژگی‌های رفتاری برای شرکت‌ها افزایش یابد. قنبری و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان «طراحی الگوی اثربخشی مکانیزم‌های حسابداری محیط‌زیستی با هدف توسعه‌ی پایدار شرکت‌های بورس اوراق بهادار براساس تحلیل داده بنیاد» انجام دادند. روش‌شناسی این تحقیق از حیث نتیجه، جز تحقیقات توسعه‌ای، از حیث هدف جز تحقیقات اکتشافی و از حیث روش اجرای کار کیفی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل ۱۴ نفر از متخصصان حسابداری بودند که از طریق روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و براساس روش‌شناسی کیفی از طریق تحلیل تئوری زمینه‌ای (تحلیل داده بنیاد) و با انجام مصاحبه داده‌های لازم جمع‌آوری و کدگذاری باز، انتخابی و محوری انجام گرفت و در نهایت مدل پژوهش براساس چارچوب تئوریک طراحی شد. نتایج پژوهش یک سازه

نمودن اخبار و اطلاعات و افشاء صرف اخبار خود باعث می‌گردد تا حسابداری به عنوان مبنای ارتباطات با ذینفعان دچار تعارض گردد و این موضوع سرخوردگی ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها در بازار و امتناع در مشارکت طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری را در شرکت‌ها به همراه خواهد داشت و باعث می‌گردد تا محدودیت‌های تأمین مالی بر شرکت‌ها تحمیل گردد. گادوسکی و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی تحت عنوان «حرکت به سوی حسابداری گفتمانی: ابزارها و شواهد» انجام دادند. جامعه‌ی آماری این پژوهش آموختگان حسابداری در بخش عمومی بودند و ابزار پژوهش تحلیل محتوا بود. نتایج پژوهش نشان داد، تمرکز بر کارکردهای حسابداری گفتمان به خصوص در بخش عمومی، زمینه‌هایی از فرهنگ و هنجارهای اجتماعی را در بر می‌گیرد که نیازمند آگاهی‌سازی آکادمیک دارد. در واقع این پژوهش به بخشی از ارزش‌های حرفه حسابداری پرداخته است که الزاماً برای آن استاندارد مشخصی وجود ندارد و نیازمند ادراک‌سازی مفهومی در شناخت رگه‌های پیوند بین مسائل اجتماعی با گزارشگری مالی شرکت‌ها به منظور ارتقای قابلیت‌های تعاملی با ذینفعان می‌باشد. ابزار این بخش طبق نتایج پژوهش استفاده از شیوه‌های گفتگو محوری در گروه‌های کانونی است که قادر خواهد بود تا زمینه را برای انسجام ادراکی بیشتر به عنوان پیامد این رویکرد نظری ایجاد کند. مانتی و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی تحت عنوان «توسعه‌ی چارچوب حسابداری گفتمان در بستر حسابداری اجتماعی و زیست‌محیطی» انجام دادند. این پژوهش از نظر روش‌شناسی کیفی و هدف آن شناسایی ابعاد حسابداری گفتمان از طریق تحلیل فراترکیب بود. در این پژوهش بیش از ۱۸۶ منبع از پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش با بسط چارچوب حسابداری گفتمان همراه بود و نشان داد، توسعه‌ی ادبیات نظری در بسترهای اجتماعی و زیست‌محیطی می‌تواند به ارتقای سطح فرهنگ افشای اختیاری اطلاعات

از علل زمینه‌ای ایجادکننده اثربخشی مکانیزم‌های حسابداری محیط‌زیستی با هدف توسعه‌ی پایدار را معرفی نمود که در آن دو بعد مکانیزم‌های خرد و مکانیزم کلان تحلیل شدند. در بعد مکانیزم خرد سه بعد فرعی شامل مکانیزم‌های حسابداری ارزشی، مکانیزم‌های حسابداری توسعه‌ای و مکانیزم‌های حسابداری مالی تعیین شدند و در بعد مکانیزم کلان نیز دو بعد مکانیزم قانونی و مکانیزم فرهنگی تبیین گردیدند. نتایج این تحقیق در ارتقای کیفی توسعه‌ی پایدار شرکت‌ها با به کارگیری حسابداری محیط‌زیستی اثربخش کمک نماید و سبب کسب مزیت رقابتی شرکت‌ها و موفقیت بیشتر در عرصه‌های رقابتی شود.

مروری بر پیشینه تجربی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، بررسی تاثیر حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز توسط پژوهش‌های گذشته انجام نشده است و انجام این پژوهش می‌تواند به توسعه‌ی ادبیات نظری در این حوزه کمک نماید.

روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر نوع و ماهیت مسأله و اهداف تحقیق، کاربردی می‌باشد. این تحقیق با توجه به روش جمع‌آوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی-همبستگی می‌باشد. به عبارت دیگر، داده‌های موردنیاز براساس یک بررسی پیمایشی جمع‌آوری گردیدند (دیانتی دیلمی، ۱۳۹۳). بر این اساس، از پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش استفاده شد، چراکه به پیروی از پژوهش‌های پیشین روشی موثر در جمع‌آوری داده‌ها از میان یک نمونه بزرگ محسوب می‌شود (مائل و اشفورت، ۱۹۹۲؛ چن و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین برای جمع‌آوری مبانی تئوری از روش کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی مبانی نظری پژوهش‌های مشابه استفاده شد. دوره‌ی پرسشگری از آزمون‌های ۶ ماهه از مرداد ماه ۱۳۹۹ تا بهمن ماه ۱۳۹۹ می‌باشد.

ابزار پژوهش

ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش برحسب ماهیت سنجش عملیاتی متغیرهای پژوهش، در فاز کیفی جهت شناسایی ابعاد حسابداری گفتمان، سیاهه ارزیابی انتقادی بود و در فاز کمی پژوهش، پرسشنامه بود. در جمع‌آوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی، تلاش گردید تا براساس ماهیت غربالگری محتوایی، ابتدا پژوهش‌های مرتبط و سپس ابعاد قابل سنجش حسابداری گفتمان مشخص شود. سپس براساس فرآیند تحلیل دلفی طی تدوین چک لیست‌های ۷ گزینه‌ای لیکرت، تلاش شد تا پایایی خرده مقیاس‌های حسابداری گفتمان بر مبنای میانگین و ضریب توافق تعیین شوند. سپس در فاز کمی باهدف آزمون فرضیه پژوهش، پرسشنامه به عنوان ابزار جمع‌آوری داده در بخش کمی، بین مشارکت‌کنندگان توزیع شد تا براساس تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) نتایج مورد استدلال تئوریک قرار گیرند. سوالات تمامی پرسشنامه‌ها در بخش روش شناسی کمی، از طریق مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم، تا کاملاً مخالفم ترتیب داده شده بود. تمامی پرسشنامه‌ها، مجدداً از نظر روایی در اختیار متخصصان قرار گرفت و از منظر مفهوم سوالات و همراستایی با اهداف پژوهش طی چند مرحله بررسی و اصلاح شدند به گونه‌ای که تمامی سوالات حاضر در پرسشنامه مورد تایید قرار گرفتند و پس از آن اقدام به توزیع بین جامعه‌ی هدف پژوهش گردید.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، مدیران بخش حسابداری به عنوان زیرمجموعه‌ی معاونت مالی و اداری ۵۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند که با توجه به اینکه مدیران حسابداری در شرکت‌های بازار سرمایه با عناوینی همچون رئیس امور سهام یا رئیس حسابداری در چارت سازمانی شرکت‌های بازار سرمایه قرار دارند، مجموعاً ۹۶ نفر در این بخش مشارکت داشتند که با توجه به اینکه تعداد این تعداد جامعه‌ی آماری، کمتر از ۱۰۰ نفر بود، از معیار سرشماری برای انتخاب

مشارکت‌کنندگان پژوهش استفاده شد. معیار سرشماری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که حجم کل جامعه هدف محدود (غالباً زیر ۱۰۰ نفر) باشد. براین مبنا در این پژوهش باتوجه به برگشت پرسشنامه‌های ارسالی، تعداد ۹۶ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت که نشان از قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه هدف می‌باشد.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

جهت سنجش متغیر پیامدهای حسابداری سبز از پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد. این پرسشنامه باتوجه به فرآیند تحلیلی طی شده براساس تحلیل دلفی و فراترکیب، شامل سه خرده مقیاس کارکردهای رقابتی؛ کارکردهای ارزشی و کارکردهای قانونی حسابداری سبز می‌باشد که براساس ۱۵ سوال در قالب مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. باتوجه به اینکه مفاهیم پرسشنامه براساس شاخص روایی CVR توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفته است، تایید گردید. در این پرسشنامه سوالاتی همچون: آیا افزایش تشویق‌های مالیاتی به تقویت کاربرد حسابداری سبز در بازار سرمایه کمک می‌کند؟ یا اینکه: تاچه اندازه کاربرد حسابداری سبز را مبنایی برای پایداری ارزش‌های مسئولیت اجتماعی در سطح بازار تلقی می‌کنید؟ آیا هماهنگی بین آیین‌نامه‌های سازمان با نهادهای نظارت محیط‌زیست محرکی برای تقویت الزام شرکت‌ها در کاربرد حسابداری سبز محسوب می‌شود؟ در واقع محتوای سوالات مبتنی بر پیامدهای استراتژیکی در حسابداری سبز می‌باشد که باعث تقویت معیارهای رقابتی؛ ارزشی و قانونی یا نظارتی در بین شرکت‌های بازار سرمایه می‌گردد. پایایی این پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ برآورد شد که باتوجه به اینکه بیش از ۰/۷ بود، این پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت.

متغیر مستقل

در این پژوهش باتوجه به اینکه مبنایی ابزاری برای سنجش متغیر برون‌زا (مستقل) این پژوهش یعنی

الگوی حسابداری گفتمان در سطح بازار سرمایه وجود ندارد، از تحلیل فراترکیب برای تدوین پرسشنامه استفاده می‌شود. این تحلیل مبنایی فرآیندی برای تدوین مولفه‌های موثر همسو با حسابداری گفتمان در بازار سرمایه ایجاد می‌نماید. بدین منظور و با اتکا به فرآیند تحلیل فراترکیب و دلفی، این پژوهش به دنبال تدوین ابزاری برای سنجش این متغیر در سطح بازار سرمایه می‌باشد. لذا باهدف تمرکز بر پژوهش‌های مشابه روز دنیا، صرفاً پژوهش‌هایی که در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ و ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ مشابه با متغیر وابسته پژوهش انجام شده بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. نکته قابل ذکر این است، ۱۳ پژوهش اولیه، می‌بایست در گام سوم از نظر ارزیابی انتقادی با مشارکت خبرگان پژوهش مورد تحلیل قرار گیرد. این فرآیند شامل ۱۰ معیار زیر است که براساس امتیاز حداقل (۱) و حداکثر (۵) مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجموع امتیازها براساس ۱۰ معیار می‌تواند ۵۰ باشد که اگر پژوهشی امتیاز ۳۰ و بیش از آن را کسب نماید، وارد گام چهارم می‌شود. حالا براساس شناخت بهتر فرآیند انجام تحلیل در این گام، با مشارکت خبرگان پژوهش، ۱۳ پژوهش اولیه‌ی تاییدشده، مورد واکاوی امتیازی براساس تحلیل ارزیابی انتقادی قرار می‌گیرد. پس از انجام فرآیند ارزیابی انتقادی مشخص گردید، ۵ پژوهش از مجموع پژوهش‌های تایید شده، به دلیل اینکه امتیاز زیر ۳۰ را کسب نمودند، حذف گردیدند. در ادامه به منظور تعیین ابعاد حسابداری گفتمان از فرآیند انتخاب بیشترین جمع توزیع فراوانی با واکاوی محتوایی در دل پژوهش‌های تایید شده، استفاده می‌شود. نتیجه فرآیند تعیین مولفه‌های حسابداری گفتمان نشان داد، سه مولفه‌ی توسعه‌ی افشای اختیاری؛ توسعه‌ی ارزش‌های آتی حسابداری و توسعه سایبرنتیک حسابداری از میان ۸ پژوهش تایید شده در گام قبل، به عنوان مبنای سنجش ابعاد حسابداری گفتمان تعیین شدند. در گام بعدی، به منظور تعیین اجماع نظر خبرگان برای متناسب بودن گزاره‌های پژوهش با مولفه‌های اصلی، از تحلیل دلفی

براساس دو معیار میانگین و ظریب توافق استفاده می‌شود. لذا برای انجام این بخش با توجه به مقیاس ۷ گزینهای ارزیابی، طبق جدول (۳) نتایج تحلیل دلفی ارائه شده است.

جدول (۱) تحلیل ارزیابی انتقادی

پژوهش‌های تأییدشده	پژوهش‌های بین‌المللی							پژوهش‌های داخلی					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
گودوسکی و همکاران (۲۰۱۱)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
گروسی و همکاران (۲۰۱۱)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
کینگستون و همکاران (۲۰۲۰)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
دیلارد و ویناری (۲۰۱۹)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
آکساندرو و همکاران (۲۰۱۹)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
بلوچی و همکاران (۲۰۱۹)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
کاریجان (۲۰۱۸)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
برون و دیلارد (۲۰۱۸)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
اعتمادی و همکاران (۱۳۹۹)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مبیزانی و همکاران (۱۳۹۹)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
گوزه‌گر و همکاران (۱۴۰۰)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
هدف	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
روش	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
طرح	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
نمونه‌گیری	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
جمع‌آوری	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تعمیم	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
اخلاقی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تحلیل	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تئوریک	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
ارزش	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
جمع	۲۳	۲۱	۳۸	۲۷	۳۲	۳۴	۲۴	۲۸	۲۵	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴

معیارهای ارزیابی انتقادی

جدول (۲) فرآیند تعیین مولفه‌های حسابداری گفتمان

توسعه‌ی افشای اختیاری	توسعه‌ی فرهنگ اخلاقی حسابداری	توسعه‌ی ارزش‌های آتی حسابداری	توسعه‌ی تصمیم‌گیری مالی حسابداری	توسعه‌ی سایبرنتیک حسابداری
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
گروسی و همکاران (۲۰۲۱)	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
مانتی و همکاران (۲۰۲۱)	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
کینگستون و همکاران (۲۰۲۰)	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
دیلارد و ویناری (۲۰۱۹)	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
آکساندرو و همکاران (۲۰۱۹)	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
بلوچی و همکاران (۲۰۱۹)	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
کاریجان (۲۰۱۸)	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
اعتمادی و همکاران (۱۳۹۹)	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
جمع	۵	۲	۵	۵

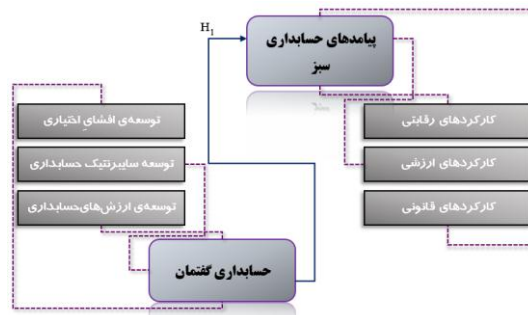
توزیع فراوانی مولفه‌ها در پژوهش‌ها، تأیید شده

جدول (۳) فرآیند تحلیل دلفی برای تعیین اجماع نظر خبرگان

گزاره‌های سنجش حسابداری گفتمان	نتیجه	دور اول دلفی				میانگین	دور دوم دلفی	نتیجه
		میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین			
اختیاری	کاهش هزینه ریسک اعتباری	حذف	۰/۳۵	۴	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۰	تایید
	کاهش هزینه مالکانه افشای اطلاعات	تایید	۰/۶۵	۳	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
افشای	کاهش هزینه‌های ریسک نکول	حذف	۰/۲۰	۳	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
	کاهش هزینه‌های نمایندگی	تایید	۰/۷۵	۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
توسعه‌ی	افزایش آستانه‌ی افشاء اطلاعات	تایید	۰/۵۵	۵	۵/۱۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
	کاهش هزینه‌های ریسک نکول	تایید	۰/۷۵	۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
توسعه‌ی حسابداری	توسعه‌ی حوزه معرفتی علم حسابداری با اتکاء به تئوری‌های فلسفی	حذف	۰/۳۵	۴	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
	تقویت رویکرد اثباتی دانش حسابداری بر مبنای ماهیت واقعی	تایید	۰/۸۵	۶	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۲۰	تایید
توسعه‌ی ارزش‌های آتی حسابداری	پارادایم‌سازی حسابداری دیالکتیکی	تایید	۰/۶۵	۵	۵/۳۰	۰/۶۰	۵/۲۰	تایید
	تقویت کارکردهای سناریوپردازی جهت تبیین چشم‌اندازهای حسابداری	تایید	۰/۷۵	۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
توسعه‌ی سایر زیرتیک حسابداری	بنیان‌سازی تئوری جامع با هدف ارتقای شناخت نظری و عملی	حذف	۰/۱۵	۲	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
	بسترسازی شبکه‌کنشگر اطلاعات بین شرکت با ذینفعان	تایید	۰/۸۵	۶	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۲۰	تایید
توسعه‌ی حسابداری	ارتقای سیستم‌های اطلاعات مدیریت مالی (FMIS)	ادغام	۰/۵۰	۵	۴/۸۰	۰/۴۷	۴/۸۰	ادغام
	ارتقای سیستم‌های سطح عملیاتی اطلاعات مالی (FTPS)	ادغام	۰/۵۸	۵	۵/۱۵	۰/۵۰	۵/۱۵	ادغام
توسعه‌ی حسابداری	ارتقای سیستم‌های پیش‌بینی تصمیم‌های مالی (DSS)	تایید	۰/۷۵	۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید
	ارتقای سیستم‌های استراتژیک اطلاعات مالی (FEIS)	تایید	۰/۷۵	۵	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	تایید

و توسعه سایر زیرتیک حسابداری می‌باشد. نمره‌گذاری پرسشنامه مذکور بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و خیلی مخالفم = ۱) انجام شده است. لذا با عنایت به مشخص شدن ابعاد پژوهش، در ادامه نسبت به ارائه‌ی الگوی پژوهش اقدام می‌شود.

نتایج پس از دو دور تحلیل در گام دلفی نشان داد، ۵ گزاره به دلیل اینکه دارای ضریب توافق زیر ۰/۵ و میانگین زیر ۵ بودند حذف شدند و ۲ گزاره دو به دو باهم ادغام شدند. لذا باتوجه به نتایج کسب شده، پرسشنامه حسابداری گفتمان تدوین شد. این پرسشنامه شامل ۱۱ سؤال و ۳ مولفه فرعی توسعه‌ی افشای اختیاری، توسعه‌ی ارزش‌های آتی حسابداری



شکل (۵) الگوی نظری پژوهش

یافته‌های پژوهش

بیشتر بازار خواهد بود. از طرف دیگر مشخص شد، بالاترین میزان انحراف معیار مربوط به خرده مقیاس توسعه ارزش‌های حسابداری آینده (۱/۱۳) می‌باشد که بیان‌کننده‌ی این موضوع است که، مشارکت‌کنندگان پژوهش بر روی طیف لیکرت دارای رویکردهای متفاوتی نسبت به تغییر سطح ارزش‌های آینده حسابداری، هستند. به عبارت دیگر شکل گفتمان سازی حسابداری مشخصاً نتوانست ادراک منسجمی در ذهنیت مشارکت‌کنندگان ایجاد نماید و این موضوع زمینه ساز پراکندگی پاسخ دهی به طیف لیکرت بود. از نظر مفهوم مبنای ارزش‌ها به لحاظ ادراکی از تنوع و تفاوت در باورهای افراد برخوردار هستند که این موضوع می‌تواند، نتیجه انحراف معیار را توجیح کند.

در این بخش ابتدا یافته‌های آمار توصیفی و سپس یافته‌های آمار استنباطی ارائه می‌شود. براساس نتایج جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد، باید بیان نمود، بالاترین میانگین مربوط به خرده مقیاس پیامدهای رقابتی (۴/۲۷۱) می‌باشد، که بیان‌کننده‌ی این موضوع است که پیامد رقابتی حسابداری سبز باعث خواهد شد تا ضمن اینکه هزینه‌های مالی شرکت کاهش یابد، در عین حال سبب کسب مزیت‌های رقابتی شرکت در مقایسه با سایر شرکت‌ها گردد که به دلیل ایجاد اعتماد و اطمینان بیشتر در برابر ذینفعان، قادر به ارتقای سهم

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	میانگین	نماد متغیر	خرده مقیاس	متغیر
۰/۷۷	۵/۰۰	۲/۲۵	۴/۱۰۰	۴/۰۵۳	<i>Voluntary Disclosure</i>	توسعه افشاء اختیاری	حسابداری گفتمان
۱/۰۳	۵/۰۰	۲/۲۵	۴/۰۰۰	۳/۷۲۶	<i>Cybernetic</i>	توسعه سایبرنتیک حسابداری	
۱/۱۳	۵/۰۰	۲/۵۰	۴/۵۰۰	۴/۱۱۲	<i>Values</i>	توسعه ارزش‌های حسابداری	
۰/۵۷	۵/۰۰	۳/۲۰	۴/۴۱۵	۴/۲۷۱	<i>CC</i>	پیامدهای رقابتی	پیامدهای حسابداری سبز
۰/۸۰	۵/۰۰	۲/۸۰	۴/۰۰۰	۴/۰۱۱	<i>CV</i>	پیامدهای ارزشی	
۰/۸۷	۵/۰۰	۲/۶۰	۴/۳۰۰	۴/۱۱۹	<i>CL</i>	پیامدهای قانونی	

به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌رسد، که نتایج آن در جدول (۳)، آمده است. باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است و مطابق با یافته‌های جدول فوق این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند، لذا می‌توان مناسب بودن پایایی مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را تأیید نمود. معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هرسازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد.

پس از بیان آمار توصیفی در این بخش در گام اول اقدام به ارائه برازش مدل‌های اندازه‌گیری می‌شود. در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. به منظور بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری تحقیق، از ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده می‌گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد (هالند، ۱۹۹۹). مطابق با جدول (۲)، تمامی اعداد ضرایب بارهای عاملی سؤالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سؤالات، نوبت

جدول (۲) ضرایب بارهای عاملی

عامل	شاخص	بار عاملی	عامل	شاخص	بار عاملی
۰.۸۷۱	<i>Cybernetic</i>	Dialogic Accounting	۰.۶۸۲	<i>CC</i>	Green Accounting Consequences
۰.۷۱۵	<i>Values</i>		۰.۸۳۳	<i>CL</i>	
۰.۷۰۱	<i>Voluntary Disclosure</i>		۰.۸۶۴	<i>CV</i>	
۰.۸۷۹	<i>Cybernetic1</i>	Cybernetic	۰.۷۵۱	<i>CC1</i>	CC
۰.۸۶۲	<i>Cybernetic2</i>		۰.۷۱۷	<i>CC2</i>	
۰.۸۵۶	<i>Cybernetic3</i>		۰.۷۵۸	<i>CC3</i>	
۰.۸۷۸	<i>Cybernetic4</i>		۰.۷۹۴	<i>CC4</i>	
۰.۷۱۳	<i>Values1</i>	Values	۰.۸۰۹	<i>CC5</i>	
۰.۹۳۶	<i>Values2</i>		۰.۶۵۰	<i>CL1</i>	
۰.۸۸۶	<i>Values3</i>		۰.۸۲۷	<i>CL2</i>	
۰.۷۸۹	<i>VoluntaryDisclosure1</i>	Voluntary Disclosure	۰.۶۸۵	<i>CL3</i>	CL
۰.۷۰۹	<i>VoluntaryDisclosure2</i>		۰.۸۵۰	<i>CL4</i>	
۰.۷۰۰	<i>VoluntaryDisclosure3</i>		۰.۸۱۸	<i>CL5</i>	
۰.۶۵۷	<i>VoluntaryDisclosure4</i>		۰.۸۷۲	<i>CV1</i>	
			۰.۹۴۹	<i>CV2</i>	CV
			۰.۸۶۸	<i>CV3</i>	
			۰.۸۸۱	<i>CV4</i>	
			۰.۸۸۱	<i>CV5</i>	

جدول (۳) نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان تحقیق

ضریب پایایی ترکیبی ($CR > 0.7$)	ضریب آلفای کرونباخ ($Alpha > 0.7$)	علامت اختصاری	متغیرهای مکنون
۰.۷۸۱	۰.۸۰۷	Voluntary Disclosure	حسابداری گفتمان (<i>Dialogic Accounting</i>)
۰.۸۹۲	۰.۹۲۵	Cybernetic	
۰.۸۰۰	۰.۸۸۶	Values	
۰.۸۲۴	۰.۸۷۷	CC	پیامدهای حسابداری سبز (<i>Green Accounting</i>)
۰.۹۳۵	۰.۹۵۰	CV	
۰.۸۲۵	۰.۸۷۸	CL	(<i>Consequences</i>)

جدول (۴) نتایج روایی همگرایی متغیرهای پنهان تحقیق

میانگین واریانس استخراجی ($AVE > 0.5$)	علامت اختصاری	متغیرهای مکنون
۰.۵۱۲	Voluntary Disclosure	حسابداری گفتمان (<i>Dialogic Accounting</i>)
۰.۷۵۵	Cybernetic	
۰.۷۲۴	Values	
۰.۵۸۷	CC	پیامدهای حسابداری سبز (<i>Green Accounting Consequences</i>)
۰.۷۹۳	CV	
۰.۵۹۳	CL	

آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). باتوجه به جدول (۵)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است. این بدان معناست که هر سازه در مدل تحقیق نسبت به دیگر سازه‌ها با شاخص‌های خود در تعامل بیشتری است. این موضوع، روایی واگرایی مناسب و برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد.

باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE ۰/۵ است (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱) و مطابق با یافته‌های جدول (۶)، این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرایی پژوهش تأیید می‌شود. روایی واگرا معیار سوم بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد. روایی واگرایی قابل قبول یک مدل بیانگر آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبولی است که AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی میزان بین

جدول (۵) ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

<i>CL</i>	<i>CV</i>	<i>CC</i>	<i>Values</i>	<i>Cybernetic</i>	<i>Voluntary Disclosure</i>
					<i>Voluntary Disclosure</i>
				۰/۱۸۶۹	۰/۴۷۷
			۰/۱۸۵۱	۰/۴۲۸	۰/۲۳۷
		۰/۷۶۶	۰/۵۰۷	۰/۵۱۶	۰/۲۵۱
		۰/۴۰۴	۰/۳۶۷	۰/۴۴۵	۰/۱۸۹۱
۰/۷۷۰	۰/۶۲۷	۰/۳۱۲	۰/۴۲۸	۰/۳۷۹	۰/۴۱۵

شده است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مطابق با جدول زیر، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید نمود. درضمن، به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی مدل از معیاری با عنوان Q^2 استفاده شد. باتوجه به نتایج این معیار در جدول (۶)، می‌توان نتیجه گرفت که مدل، قدرت پیش‌بینی قوی دارد.

باتوجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد. پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون ارزیابی شد. در پژوهش حاضر از دو معیار ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)، استفاده

جدول (۶) مقادیر ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)

Q^2	R^2	
۰/۲۴۷	۰/۵۰۰	<i>Voluntary Disclosure</i>
۰/۵۶۴	۰/۷۶۰	<i>Cybernetic</i>
۰/۳۴۵	۰/۴۹۷	<i>Values</i>
۰/۲۶۴	۰/۴۶۴	<i>CC</i>
۰/۵۹۲	۰/۷۵۵	<i>CV</i>
۰/۳۹۵	۰/۶۸۹	<i>CL</i>

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

که در آن:

Communalities : میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان و R^2 : میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است.

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری، مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش باید با استفاده از معیار نیکویی برازش (GOF) بررسی گردد که سه مقدار $0/01$ ، $0/25$ و $0/36$ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

جدول (۷) میزان Commuality و R^2 متغیرهای تحقیق

متغیرهای مکنون	علامت اختصاری	Commuality	R^2
توسعه افشاء اختیاری	<i>Voluntary Disclosure</i>	۰,۳۷۸	۰,۴۶۴
توسعه سایبرنتیک حسابداری	<i>Cybernetic</i>	۰,۳۹۰	۰,۶۸۹
توسعه ارزش‌های حسابداری	<i>Values</i>	۰,۶۸۱	۰,۷۵۵
حسابداری گفتمان	<i>Dialogic Accounting</i>	۰,۵۷۷	۰,۷۶۰
پیامدهای رقابتی	<i>CC</i>	۰,۲۰۰	---
پیامدهای ارزشی	<i>CV</i>	۰,۲۸۶	۰,۴۸۶
پیامدهای قانونی	<i>CL</i>	۰,۴۴۲	۰,۴۹۷
پیامدهای حسابداری سبز	<i>Accounting Green Consequences</i>	۰,۱۹۹	۰,۵۰۰

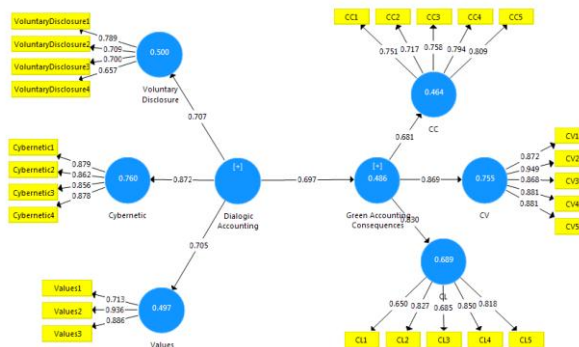
جدول (۹) نتایج برازش مدل کلی

Commuality	R^2	GOF
۰,۳۹۴	۰,۵۹۳	۰,۴۸۳

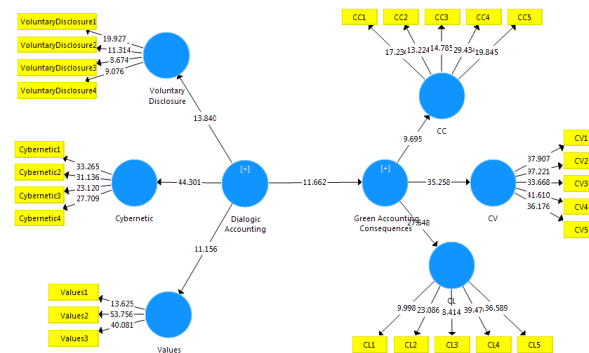
باتوجه به شکل (۵) و (۶)، ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر) بین دو متغیر (حسابداری گفتمان و پیامدهای حسابداری سبز) مثبت ($0/69$) و آماره t بین این دو متغیر نیز ($11/66$) بزرگ‌تر از مقدار $1/96$ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر مثبت و معناداری دارد، و لذا فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود.

باتوجه به مقدار بدست آمده برای GOF به میزان $0/483$ ، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود. پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و باتوجه به شکل‌های (۵) و (۶)، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است.

شکل (۵) مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل (۶) مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب معناداری



جدول (۱۰) نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه	روابط علی بین متغیرهای پژوهش	ضریب مسیر (β)	معناداری (T -Value)	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه پژوهش حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر دارد.	حسابداری گفتمان بر پیامدهای حسابداری سبز	۰/۶۹	۱۱/۶۶	تایید فرضیه

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش توسعه الگوی حسابداری گفتمان در پیامدهای حسابداری سبز شرکت‌های بازار سرمایه می‌باشد. در واقع نتایج کسب‌شده نشان دادند که توسعه الگوی حسابداری گفتمان به عنوان یک مبنای سیستمی که در بسترهای اجتماعی و با انتقال سطح انتظارات بازار سرمایه به عنوان ورودی سیستم و ترکیب آن با دانش حسابداری به عنوان فرآیند سیستم حادث می‌گردد، می‌تواند به ایجاد پیامدهای حسابداری سبز به عنوان ستاده‌ی سیستم منجر شود. به عبارت دیگر حسابداری گفتمان می‌تواند باعث گردد تا پیامدهای حسابداری سبز پویایی بیشتری را داشته باشند و براساس آن ظرفیت‌های حفاظت از محیط زیست و کاهش آلاینده‌ی‌های محیط زیستی کاهش یابد. در واقع حسابداری گفتمان به واسطه‌ی شکل‌گیری در بسترهای اجتماعی و مبتنی بودن بر شناخت انتظارات و نیازهای آتی حسابداری، تلاش دارد تا از طریق زیرساخت‌های اطلاعاتی به توسعه‌ی شفافیت‌ها در قالب رفتارهای مسئولانه در برابر ذینفعان، افشای اختیاری اطلاعات را توسعه بخشد و از طریق آن به پیامدهای فراگیری از نظر ارزش‌های حسابداری همچون پیامدهای مثبت حسابداری سبز

از منظرهای مختلف همچون رقابتی؛ قانونی و ارزش‌های اجتماعی دست یابند. حسابداری گفتمان زمینه‌ها را به واسطه‌ی چرخه‌ی سیستمی یادشده جهت افشای اختیاری و توسعه‌ی سایبرنتیک در کارکردهای حسابداری تحریک می‌نماید و سطحی از ایده‌آل‌های آتی حسابداری را به صورت ارزش‌های فراگیر برای ذینفعان توسعه می‌بخشد. در این شرایط حسابداری سبز به شکل اثربخشی به عنوان ستاده‌ی سیستمی در چرخه‌ی حسابداری گفتمان از پیامدهای مثبت‌تری برخوردار خواهد بود. پیامدهای حسابداری سبز در شکل کارکردهای رقابتی بازار سرمایه، به دلیل کنترل هزینه‌ها؛ قابلیت مدیریت پسماندها و ضایعات تحت حسابداری گفتمان می‌تواند به شکل منسجم‌تری باعث گردد تا شرکت‌ها متناسب با سطح ظرفیت‌های خود از پتانسیل‌های اجتماعی به نحوه فراوانی بهره ببرند. از طرف دیگر با ایجاد تسلسل در گفتمان حسابداری، قوانین به طور ملموس‌تری با واقعیت‌های بسترهای کارکردی در بازار و موقعیت‌های اجتماعی آن، تلفیق می‌شوند و می‌توانند باعث تقویت و توسعه‌ی نظارت‌های اثربخش بر کارکردهای شرکت‌ها شوند. در نهایت این پیامدهای ارزشی هستند که براساس شکل‌های حسابداری

گفتمان می‌تواند سطح اخلاق‌گرایی و پایبندی به افشاء مسئولانه و اختیاری عملکردهای محیط زیستی شرکت‌ها در برابر ذینفعان گردد و به تدریج باعث ایجاد هویت زیست محیطی برای شرکت‌ها شوند. لذا اثربخشی حسابداری گفتمان در سطح شرکت‌های بازار سرمایه می‌تواند به صورت پیامدهای مثبت حسابداری سبز باعث کاهش آلاینده‌های زیست محیطی و فرآیندی شرکت‌های بازار سرمایه گردد و به ایجاد ارزش‌های اخلاق‌گرایانه در حسابداری کمک نمایند. نتایج کسب‌شده با پژوهش‌های مانتی و همکاران (۲۰۲۱)؛ گادوسکی و همکاران (۲۰۲۲) و شهری و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

براساس نتایج کسب شده اولاً پیشنهاد می‌شود همچون توسعه‌ی هر حوزه‌ای از دانش علوم انسانی، حسابداری نیز می‌بایست براساس تمرکز بر شناخت نیازهای حال و آینده‌ی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نسبت به تدوین سناریوهایی برای تقویت چشم‌اندازهای استعاره‌ی حسابداری گفتمان از طریق برگزاری همایش‌های علمی با مشارکت جمعی از تحلیلگران حوزه‌ی بازار و حسابداری، به یکپارچگی بیشتر این پارادایم در علم حسابداری کمک نمایند و زمینه را برای آگاه‌سازی و نهادینه‌ساختن ارزش‌های اجتماعی این حوزه در ساختارها و نگرش‌های مدیریتی مهیا نمایند. ثانیاً خود دانش حسابداری می‌بایست از رویکردهای صرفاً قیاسی در فلسفه‌ی حرفه حسابداری به صورت تمرکز بر کمیت‌ها فاصله بگیرد و براساس تئوری‌های انتقادی در بسترهای پدیدارشناسی اجتماعی، نسبت به ادراک انتظارات از دانش حسابداری و تقویت تعامل اثربخش با ذینفعان همت گمارند. در این مسیر فرهنگ‌سازی و تقویت ارزش‌های کارکردی حسابداری به واسطه‌ی ابزارهای رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ضمن ارتقای مسئولیت‌پذیری این حرفه در قالب ابعاد مدیریت بازرگانی، مشروعیت بیشتری برای خود کسب نمایند و تخصص‌ها در دانش حسابداری به کمک اخلاق، مانع از تحریف و یا دستکاری در سود

جهت انتقال اطلاعات شفاف‌تر به ذینفعان شود. در واقع نوعی خودرهبیری دانش‌افزا براساس باورهای تقویت‌شده در حرفه حسابداری است که مضامین گفتمان می‌تواند در آن نقش بسزایی را ایفا نماید.

منابع

اعتمادی، حسین، معروفی، احمدرضا، محمدی‌شاد، زهره. (۱۳۹۹). گفتمان مالی‌سازی مستتر در روش‌های حسابداری ایران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷(۶۷): ۲۷-۵۶.

دیانتی‌دیلیمی، زهرا. (۱۳۹۳). روش تحقیق در حسابداری: راهنمای عملی برای نگارش پایان‌نامه و مقاله، انجمن حسابداری مدیریت ایران، چاپ دوم. سامی، سیامک، خسروی‌پور، نگار، لشگری، زهرا. (۱۴۰۰). تاثیر کاربرد استعاره دیالکتیکی بر فرآیند بلوغ مذاکره حساب‌برسان، دانش حسابداری، ۲(۲): ۲۴-۱.

شهری، مریم، فاضلی، نقی، عبدلی، محمدرضا. (۱۴۰۰). بسط پارادایم نظریه‌ی آنتروپوسن در بررسی تاثیر رفتارهای زیست‌محیطی شرکت‌ها نسبت به پیامدهای استراتژیک حسابداری سبز، حسابداری مدیریت، ۱۴(۴۸): ۱۹۳-۲۱۴.

قنبری، وحید، عبدلی، محمدرضا، ولیان، حسن. (۱۳۹۹). طراحی الگوی اثربخشی مکانیزم‌های حسابداری محیط‌زیستی با هدف توسعه‌ی پایدار شرکت‌های بورس اوراق‌بهدار براساس تحلیل داده بنیاد، پژوهش‌های محیط زیست، ۱۱(۲۲): ۵۷-۷۲. کوزه‌گر، پریناز، پورزمانی، زهرا، توانگر، افسانه، معدنچی‌زاج، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نگرش فلسفی بر درک سطح خوانایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حسابداری مدیریت، ۱۴(۴۹): ۱-۱۴.

میرزائی، سعیده، عبدلی، محمدرضا، کوشکی‌جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷(۶۵): ۱۰۹-۱۳۸.

- rationality, *Kybernetes*, 46(9): 1597-1610. <https://doi.org/10.1108/K-10-2016-0275>
- Bordt, M. (2018). *Discourses in Ecosystem Accounting: A Survey of the Expert Community*, *Ecological Economics*, 144(3): 82-99. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2017.06.032>
- Brown, J. (2009). *Democracy, sustainability and dialogic accounting technologies: Taking pluralism seriously*, *Critical Perspectives on Accounting*, 20(3): 313-342. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2008.08.002>
- Brown, J., Dillard, J. (2017). *Opening Accounting to Critical Scrutiny: Towards Dialogic Accounting for Policy Analysis and Democracy*, *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 17(3): 247-268. <https://doi.org/10.1080/13876988.2014.989684>
- Chen, H., Tian, Y. and Daugherty, P.J. (2009). *Measuring process orientation*, *The International Journal of Logistics*, 20(2): 213-227
- Corrigan, L. T. (2018). *Budget Making: The Theatrical Presentation of Accounting Discourse*, *Critical Perspectives on Accounting*, 55(4): 12-32. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2017.12.001>
- Craig, R.T. (1999). *Communication theory as a field*, *Communication Theory*, 9(2): 119-161. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.1999.tb00355.x>
- Craig, R.T. (2008). *Communication as a field and discipline*, in Donsbach, W. (Ed.), *The International Encyclopedia of Communication*, Wiley-Blackwell, Malden MA, 2(2): 675-688.
- De Villiers, C. and Molinari, M. (2022). *How to communicate and use accounting to ensure buy-in from stakeholders: lessons for organizations from governments' COVID-19 strategies*, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 35(1): 1-25. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-09-2021-3158>
- نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). طراحی سبز محصول: رویکردی نو در حسابداری مدیریت محیط‌زیست، انسان و محیط‌زیست، ۱۶(۱): ۲۵-۳۶.
- Alam Choudhury, M. (1997). *The epistemologies of Ghazzali, Kant and the alternative: Formalism in unification of knowledge applied to the concepts of markets and sustainability*, *International Journal of Social Economics*, 24(7/8/9): 918-940. <https://doi.org/10.1108/03068299710178946>
- Aleksandrov, E., Bourmistrov, A. and Grossi, G. (2019). *Participatory budgeting as a form of dialogic accounting in Russia: Actors' institutional work and reflexivity trap*, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(4): 1098-1123. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-02-2016-2435>
- Aly, D., El-Halaby, S. and Hussainey, K. (2018). *Tone disclosure and financial performance: evidence from Egypt*, *Accounting Research Journal*, 31(1): 63-74. <https://doi.org/10.1108/ARJ-09-2016-0123>
- Amernic, J., Craig, R. (2009). *Understanding accounting through conceptual metaphor: Accounting is an Instrument?*, *Critical Perspectives on Accounting*, 20(8): 875-883. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2009.06.004>
- Baron, P. (2019). *Owning one's epistemology in religious studies research methodology*, *Kybernetes*, 49(8): 2057-2071. <https://doi.org/10.1108/K-03-2019-0159>
- Bellucci, M., Simoni, L., Acuti, D. and Manetti, G. (2019). *Stakeholder engagement and dialogic accounting: Empirical evidence in sustainability reporting*, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 32(5): 1467-1499. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-09-2017-3158>
- Bigirimana, S. (2017). *Beyond the thinking and doing dichotomy: integrating individual and institutional*

- organizational change, *Journal of Organizational Change Management*, 14(4): 352-378.
<https://doi.org/10.1108/EUM0000000005491>
- Hulland, J. (1999). «Use of partial least square (PLS) in strategic management research: a review of four recent studies». *Strateg Manage*, 20(2): 195–204
- Jones, A. and Willis, M. (2003). *The challenge of XBRL: business reporting for the investor*, *Balance Sheet*, 11(3): 29-37.
<https://doi.org/10.1108/09657960310491172>
- Kingston, K.L., Furneaux, C., de Zwaan, L. and Alderman, L. (2020). From monologist to dialogic: Accountability of nonprofit organizations on beneficiaries' terms, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 33(2): 447-471.
<https://doi.org/10.1108/AAAJ-01-2019-3847>
- Kumar A., Dixit G. (2018). An analysis of barriers affecting the implementation of e-waste management practices in India: A novel ISM-DEMATEL approach. *Sustainable Production and Consumption*,
<https://doi.org/10.1016/j.spc.2018.01.002>
- Littlejohn, S.W. and Foss, K.A. (2011). *Theories of Human Communication*. Tenth Edition, Waveland Press, Long Grove IL.
- Maama, H., Appiah, K. (2019). Green accounting practices: lesson from an emerging economy, *Qualitative Research in Financial Markets*, 11(4): 456-478.
<https://doi.org/10.1108/QRFM-02-2017-0013>
- Mael, F. and Ashforth, B.E. (1992). Alumni and their alma mater: a partial test of the reformulated model of organizational identification, *Journal of Organizational Behavior*, 13(2): 103-123
- Journal*, 35(1): 20-34.
<https://doi.org/10.1108/AAAJ-08-2020-4791>
- Dillard, J., Vinnari, E. (2019). Critical dialogical accountability: From accounting-based accountability to accountability-based accounting, *Critical Perspectives on Accounting*, 62(2): 16-38.
<https://doi.org/10.1016/j.cpa.2018.10.003>
- Dillard, J., Yuthas, K., Baudot, L. (2016). Dialogic framing of accounting information systems in social and environmental accounting domains: Lessons from, and for, microfinance, *International Journal of Accounting Information Systems*, 23(2): 14-27.
<https://doi.org/10.1016/j.accinf.2016.10.001>
- Doris, M., Merkl-Davies N., Brennan, M. (2017). A Theoretical Framework of External Accounting Communication: Research Perspectives, Traditions, and Theories, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 30(2): 1-56.
<http://dx.doi.org/10.1108/AAAJ-04-2015-2039>
- Fornell C, Larcker D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable and measuring error. *Journal of High Technology Management Research*, 2(10):39-50.
- Godowski, Ch., Negre, E., Verdier, M, A. (2022). Toward dialogic accounting? Public accountants' assistance to works councils – A tool between hope and illusion, *Critical Perspectives on Accounting*, 69(3): 124-149.
<https://doi.org/10.1016/j.cpa.2019.102095>
- Grossi, G., Biancone, P.P., Secinaro, S. and Brescia, V. (2021). Dialogic accounting through popular reporting and digital platforms, *Meditari Accountancy Research*,
<https://doi.org/10.1108/MEDAR-01-2021-1163>
- Gustavsson, B. (2001). Towards a transcendent epistemology of organizations: New foundations for

- <https://doi.org/10.1108/96754260280001031>
- Tanima, F. A., Brown, J., Dillard, J. (2020). *Surfacing the political: Women's empowerment, microfinance, critical dialogic accounting and accountability*, *Accounting, Organizations and Society*, 85(2): 91-139. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2020.101141>
- Webber, B. (2006). *Accounting for Discourse Relations: Constituency and Dependency, Variations on Themes by Ronald M. Kaplan*, CSLI Publications.
- Williams, R. (2008). *The epistemology of knowledge and the knowledge process cycle: beyond the "objectivist" vs "interpretivist"*, *Journal of Knowledge Management*, 12(4): 72-85. <https://doi.org/10.1108/13673270810884264>
- Yen, A.C., Riley, T.J. and Liao, P. (2017). *Chinese vs US investors' reactions to accounting narratives: an experiment*, *Asian Review of Accounting*, 25(4): 526-548. <https://doi.org/10.1108/ARA-12-2016-0144>
- Malthus, S. and Fowler, C. (2009). *Perceptions of accounting: a qualitative New Zealand study*, *Pacific Accounting Review*, 21(1): 26-47. <https://doi.org/10.1108/01140580910956849>
- Manetti, G., Bellucci, M. and Oliva, S. (2021). *Unpacking dialogic accounting: a systematic literature review and research agenda*, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 34(9): 187-220. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-08-2020-4736>
- Mcgoun, E. G., Bettner, M. S., Coyne, M., P. (2007). *Pedagogic metaphors and the nature of accounting signification*, *Critical Perspectives on accounting*, 18(2): 213-230. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2005.12.003>
- Melissa Walters- York, L. (1996). *Metaphor in accounting discourse*, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 9(5): 45-70. <https://doi.org/10.1108/09513579610367242>
- Menikpura, S, N, M., Santo, A. and Hotta, Y. (2014). *Assessing the climate co-benefits from waste electrical and electronic equipment (WEEE) recycling in Japan*. *Journal of Cleaner Production*, 74(2): 183-190.
- Millar, E. and Searcy, C. (2020). *The presence of citizen science in sustainability reporting*, *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 11(1): 31-64. <https://doi.org/10.1108/SAMPJ-01-2019-0006>
- Rajesh, P. (2011). *Manufacturers targeted by India's e-waste laws*. *Chemistry World*; <http://www.rsc.org/chemistryworld/News/2011/July/13071101.asp>. Accessed on 23 May, 2017.
- Rutherford, B.A. (2002). *The production of narrative accounting statements: An exploratory study of the operating and financial review*, *Journal of Applied Accounting Research*, 6(3): 25-56.

Developing a Dialogic Accounting Framework in the Green Accounting Consequences: Changing the Positivist Accounting Paradigm

Ensie Hosseinpooran¹

Hasan Valiyan^{†}*

Mohammadreza Abdoli[‡]

Abstract

Changes in any field of science will lead to greater dynamics of the functions of that field. Accounting, as one of the areas based on social processes, is no exception to these changes and in order to promote interaction with the needs of stakeholders one can expect the achievement of an integrated and interactive perception between the pillars of the accounting profession with social dimensions due to such changes. Dialogic Accounting as changes resulting from perceptual and social contexts can have pervasive values such as the positive consequences of green accounting from a social and competitive point of view. The Purpose of this research is developing a Dialogic Accounting Model in the Green Accounting Consequences of Capital Market Companies. In this research, which considered methodologically in terms of the nature of the problem and the purpose of the research, the method of data collection was survey-correlation and the research tool was a questionnaire. The statistical population in this study is the managers of the accounting department as a subset of the financial and administrative deputy of the top 50 companies of the Tehran Stock Exchange in 2020-2021. Considering that accounting managers in capital market companies with titles such as Chief Stock Officer or Chief Accountant are in the organizational chart of capital market companies, a total of 96 people participated in this section, which according to this statistical population, which was less than 100 The census criterion was used to select the research participants. Partial least squares analysis (PLS) also used to fit the model. The results showed that Dialogic Accounting has an impact on the Green Accounting Consequences of capital market companies. The results show the development of the Dialogic Accounting Model as a basis of the system in the social context and by transferring the level of capital market expectations as the input of the system and its combination with accounting knowledge occurs as a system process, it can lead to green accounting consequences as a system output.

Keywords :Dialogic Accounting, Green Accounting Consequences, Criticism of Positivism Paradigm

¹ PhD Student, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran
Email: nc.pouran@gmail.com

²Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran
Email: Hasan.valiyan@yahoo.com

³Associate Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran
Email: Mrab830@yahoo.com